

## جنگ آلمان و شوروی

### ۱۰ - حمله آلمانیها بسمت مسکو

در روز سوم ماه اکتبر موقعیکه پیشوای آلمان صندوق اعانه زمستانی را افتتاح مینمود ملت آلمان را مخاطب قرارداد و گفت: «در این ساعت در جبهه»  
 «خاور عملیات شگرفی در جریان است که از آن نتایج جدید و بزرگی بدست»  
 «خواهد آمد. در ظرف ۴۸ ساعت اخیر یک سلسله عملیاتی آغاز گردیده»  
 «که مرا موفق بدرهم شکستن نیروی دشمن در خاور خواهد نمود» بقیه سخنرانی  
 «هیتلر» دفاع از قتل و کشتار در جبهه روسیه بود. اکنون باید دید که منظور  
 پیشوای آلمان از چنین اعلامیه ای در آن موقع چه بوده است؟

ارتش آلمان در مدت ده هفته ای که در جبهه «اسمولنسک» (یعنی آن نقطه  
 از جبهه که در مقابل «مسکو» قرار گرفته بود و ظاهراً آرام بنظر میرسید)  
 بهیچوجه به پیشروی نپرداخت لکن در عین حال با وجود حملات متقابله محلی  
 روسها آلمانیها موفق شده بودند یکسلسله استحکامات صحرایی جهت محافظت  
 تهیه های معظمی که برای حمله دیده بودند ایجاد نمایند. در حقیقت در پشت  
 این جبهه عملیات پی در پی و بشدت هر چه تمامتر انجام مییافت.

پیشوای آلمان شخصاً اظهار نموده بود که: «در پشت این جبهه ۲۵۰۰۰۰  
 «کیلومتر از راه آهن روسیه دوباره ساخته شده و قابل استفاده گردیده»  
 «و از این مقدار ۱۵۰۰۰۰ کیلومتر بعرض راه آهنهای آلمان درآمده است»



نمایش ترکش تیرهای توپخانه در مانور دانشکده افسری



ژرژوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

بعلاوه سازمانهای وسیع و نوینی در عقب جبهه داده میشود، در حقیقت در نتیجه زحمت بی دریغ و قوه خلاقه عجیب و مخصوص آلمانیها بود که ارتش آلمان توانست در یک چنین مدت فوق العاده کوتاهی در طول جبهه «اسمولنسک» به چنین حمله شگرف و عجیبی مبادرت ورزد. در نقاط اشغال شده روسیه اسرای جنگی و اهالی کشورهای اشغال شده به بیگاری گماشته شده بودند. طبق اظهار پیشوای آلمان از ۵ تا ۶ میلیون نفر (که اقلاً نصف آن برای جبهه «مسکو» معین شده بود) در طول این جبهه معظم تمرکز یافته بود. در عرض این ده هفته هر عملی که ممکن بود راهی بسوی موفقیت باز نماید انجام داده شد و در حقیقت طرح نقشه این حمله بزرگ و همچنین اجرای آن یکی از بزرگترین کوششهای نظامی و کاملترین تمرکز نیروئی بود که تا آنوقت سابقه نداشت روسها در جبهه خود برای مقاومت در برابر چنین طوفانی که وقوع آن پس از ختم عملیات و تهیه های اولیه حتمی بود سخت مشغول بودند.

در روز اول اکتبر ارتش آلمان با انجام قسمتهای اولیه حمله پرداخت و این حمله رفته رفته با تمام قوا شدت یافت. لشکرهای زره پوش برای شکافتن جبهه روسها بحرکت درآمدند و هواپیماهای آلمانی که برای پشتیبانی از زره پوشها در این نقطه از جبهه متمرکز شده بودند سطح آسمان را پوشاندند. با آمیختن این دو سلاح موخس آلمانیها امید قطعی داشتند که سرانجام گوی موفقیت را در میدان مبارزه خواهند ربود.

ستونهای زره پوش که آلمانیها آنها را قویترین سلاح حمله برای حصول موفقیت تصور مینمودند بطرز نوینی مورد استعمال قرار گرفتند. تا این موقع ماموریت اصلی لشکرهای زره پوش ایجاد شکاف در جبهه دشمن و رسوخ در عقب آن بود. پس از آنکه دو ستون از زره پوشها جبهه دشمن را شکافته و در داخل آن رسوخ مینمودند بهم نزدیک شده و قسمتی از نیروی دشمن را از سایر واحدهای او مجزا میساختند. سپس واحدهای موتوریزه و پیاده نظام در این قسمت مجزا شده دشمن پیشروی نموده و آنها را وادار به تسلیم میکردند.

اما در حمله بمسکو طرز عمل چنین نبود زیرا آلمانیها قبلاً باین نتیجه رسیده بودند که این روش جنگی دیگر مؤثر نبوده و نتیجه خوبی بدست نخواهد داد، چون اولاً روسها ثابت نموده بودند که میتوانند با چنین روش جنگی مقابله نمایند و ثانیاً جبهه‌ای که آلمانیها در نظر داشتند در طول آن حمله کنند از طرفی کوچک و از طرف دیگر دارای نقاط مستحکم دفاعی متعدد و مدافعین بیشمار بود. از اینرو آلمانیها انتظار نداشتند که لشکرهای زره‌پوش آنان بتوانند مسافت زیادی در خط روسها پیشروی نمایند. در جبهه مسکو، که طول آن در حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میل بود آلمانیها ابتداءً ۱۰ بعداً ۱۲ تا ۱۴ لشکر زره‌پوش تمرکز دادند. مأموریت اصلی لشکرهای زره پوش ایجاد شکاف در جبهه روسها بفاصل ۲۰ تا ۲۵ میل بود و پیشروی آنها که قرار بود بوسیله هواپیماهای متعدد پشتیبانی گردد نمیتوانست بهمان سرعت آغاز جنگ انجام گیرد زیرا لازمه مأموریت آنها این بود که بجای رسوخ کردن در عمق جبهه مدافع به از بین بردن نفرات او بپردازند و این امر موجب کندی عمل پیشروی میشد. نقشه این بود که زره پوشها شکافهایی در فواصل نزدیک در خط روسها ایجاد نمایند و آلمانها تصور می نمودند موقعیکه این عمل در سراسر جبهه انجام یافت تأثیر آن بحدی خواهد بود که قبل از آغاز حمله عمومی با پشتیبانی آتش توپخانه سنگین و خمپاره اندازهای سنگری پیاده نظام تشکیلات دفاعی دشمن بکلی از هم پاشیده خواهد شد. یکی دیگر از نکات اساسی نقشه این بود که در دو جناح ضربات قویتری وارد آمده و رسوخ عمیقتری انجام گیرد. بدو آلمانیها تصمیم داشتند که در نتیجه عملیات جناحی دومرکز مهم «ویازما»<sup>(۱)</sup> و «بریانسک»<sup>(۲)</sup> را اشغال نمایند لکن بعداً چنانکه خواهیم دید حملات جناحی آنان بلحاظ مقاومت سخت روسها در قسمت مرکزی اهمیت بیشتری یافت.

اگرچه اشغال مسکو، هنوز هدف اصلی حمله آلمانیها را تشکیل میداد مع هذا آنانکه نقشه حمله در سراسر جبهه را طرح نموده بودند از ادامه حمله در شمال و جنوب جبهه روسیه منصرف نشده و نیروی واقع در نزدیکی لنینگراد هنوز مأموریت داشت که شهر را اشغال نماید و در شمال دریای سیاه نیز مأموریت ارتش آلمان انجام پیشروی بیشتری بود. این حملات فرعی بیشتر بمنظور منحرف ساختن توجه روسها از جبهه مرکزی بشمال و جنوب بود. در جبهه جنوبی رسیدن بمنابع نفت خیز قفقاز و خاور میانه هدف اصلی آلمانیها را تشکیل میداد زیرا بدون بدست آوردن نفت پیروزی آنان بی نتیجه میماند عجله آلمانیها در بدست آوردن پیروزی نهائی میرساند که از طرفی از جنگ طولانی احتراز میجویند و از طرفی مایلند هر چه زودتر بخاور میانه دست یابند از بین بردن ارتش «بودیونی» و وارد آوردن ضربات پی در پی و سخت بارتش وی در حوالی «اومان» (۱) دوستان فرمانده کل ارتش آلمان را بر آن داشت که در آن واحد در دو جبهه بحمله پردازد. در این موقع شهر بزرگ «کی یف» پایتخت «او کرانی» در دست آلمانیها بود و «هیتلر» که پس از اشغال «کی یف» تبرد او کرانی را تقریباً تمام شده میپنداشت تصمیم گرفت که ارتش آلمان در هر دو جبهه بحمله پردازد و همین حمله در دو جبهه موجب عدم موفقیت آلمانیها گردید.

در یک چنین وضعی ارتش آلمان در اول ماه اکتبر بحمله بسوی مسکو پرداخت. حمله در آغاز بمافوق درجه شدت رسید. در طول یک جبهه ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلی که از ۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ازابه جنگی در آن بحرکت درآمده و با سایر نیروها میتوان گفت که در هر متری از جبهه از ۸ تا ۱۰ نفر متمرکز شده بودند پیروزی حمله بیشتر بقدرت آتش و شدت حمله نیروی زرهی بستگی داشت. نه باصول استراتژی در هفته اول نقشه آلمانیها بموفقیت انجام یافت. روسها که نمیتوانستند در مقابل ضربات سخت آلمانیها مقاومت و پایداری نمایند مجبور

بعقب نشینی گردیدند و تلفات زیادی دادند لکن بهمان اندازه بر آلمانیها تلفات وارد آوردند. در روز پنجم ماه اکتبر ارتش سرخ مجبور بتسلیم زمین های واقع در حوالی «ویازما» و «بریانسک» گردید. در قسمت جنوبی جبهه مسکو جائیکه حمله آلمانیها ضعیف تر بود روسها موفق شدند شهر مهم «ارل» (۱) را نگاهداری نمایند. از طرف دیگر آلمانیها ادعا نمودند که در قسمت شمالی موفق باشغال «کالنین» (۲) و «کارلگا» (۳) گردیده اند لکن معلوم نیست که آیا حقیقتاً موفق باشغال این دو شهر شده بودند یا آنکه ارتش آلمان فقط بحوالی این دو شهر رسیده بود. تهدیدی که بر جناحین جبهه «مسکو» وارد آمده بود موجب شد که در پایتخت روسیه وحشت ایجاد گردد و بهمین مناسبت ادارات مهم دولتی «مسکو» را تخلیه نموده به «کوی بیشف» (۴) که سابقاً به «سامارا» (۵) معروف و در ۵۰۰ میلی خاور رودخانه «ولگا» قرار گرفته بود نقل مکان نمودند. سفارتخانهها و هیئت های اعزامی نظامی هم با ادارات دولتی به «کوی بیشف» رفتند. بغیر از عقب نشینی روسها که نتوانسته بودند در مقابل ضربات سخت آلمانیها مقاومت نمایند از اعلامیه های طرفین اطلاع دیگری بدست نمی آمد. در روز ششم ماه اکتبر آلمانیها ادعا کردند که موفق بمحاصره نمودن چندین ارتش شوروی شده اند. این ادعا بهیچوجه مقرون بحقیقت نبود لکن موضوع قابل توجه و اهمیت اینست که هواییهای آلمانی در عوض این چند روزه جنگ مشغول بمباران «لنینگراد» و «مسکو» بودند و این امر حاکی از این بود که آلمانیها بتفوق هوایی خود ایمان کامل داشتند زیرا طبق اصول جنگی آن روز آلمانیها کلیه نیروی هوایی باید برای اجرای عملیاتی که دارای ارزش نظامی بیشتری باشد نگاهداری شود.

۱ - Orel

۴ - Kuibishev

۲ - Kalinin

۵ - Samara

۳ - Kaluga

در این موقع فرماندهی کل ارتش آلمان اعلامیه ای مبنی بر پیشروی در دو انتهای شمالی و جنوبی جبهه روسیه صادر نمود. اظهارات آلمانیها راجع به پیشرفت در شمال اغراق آمیز بود و تنها موضوع قابل اهمیتی که در این قسمت از جبهه اتفاق افتاد این بود که آلمانیها کوشش نمودند قسمتی از نیروی خود را در منطقه باختری و نین گراد، یعنی در ساحل خلیج فنلاند پیاده نمایند که آنها با عدم موفقیت مواجه گشت. لکن در قسمت جنوبی پیشروی آلمانیها محقق بود. ارتش آلمان در امتداد ساحل دریای آزوف،<sup>(۱)</sup> بسوی رستف و مقدار زیادی پیشروی نموده و تهدید نسبت بچاهای نفت قفقاز هر آن رو بفرونی مینهاد.

آلمانیها نه تنها ادعا نمودند که روسها در قسمت مرکزی جبهه مجبوره عقب نشینی کرده اند بلکه سه ارتش شوروی در نزدیکی بریانسک، در شرف انهدام بوده و تیموشنکو، آخرین ارتش خود را که قابلیت جنگ در جبهه روسیه را داشت بکار برده است. بلافاصله بعد آلمانیها ادعا کردند که شهر ارل، مرکز مهم خطوط ارتباطی از سوم اکتبر در تحت تصرف آنها بوده است. برای ازدیاد و تقویت فشارهای وارده و لوفت و افه، های آلمانی هنگام شب در سراسر جبهه روسیه شروع بمباران نمودند. با وجود ضربات سخت و فشار های پی در پی روسها توانستند ادعا نمایند که اگرچه وضعیت بی نهایت وخیم میباشد معذاموفق بنگاهداری و یازما، شده اند ولی از طرف دیگر اعتراف نمودند که آلمانیها پیشروی قابل ملاحظه ای در بریانسک، و همچنین در انتهای جنوبی و ملیتوپول،<sup>(۲)</sup> نموده اند. در روزهای دهم و یازدهم آلمانیها دوباره ادعا نمودند که در امتداد دریای آزوف، موفق به پیشروی قابل ملاحظه ای شده و اعلامیه روز پانزدهم آنان حاکی از این بود که ارتش نهم و هیجدهم شوروی در این نواحی بکلی معدوم گردیده است. ادعای آلمانیها این بود که میدانهای جنگ و یازما، و بریانسک، کیلومترها در پشت جبهه قرار گرفته اند

۱ - Asov

۲ - Melitopol



و پیشروی از دریای «آزوف» بسوی تپه های «والدای»<sup>(۱)</sup> بسرعت ادامه دارد و عملیات طبق نقشه انجام میگیرد. در اینکه حمله بزرگ آلمانیها بسوی «مسکو» پیشرفت فوق العاده ای نموده بود محل هیچگونه تردیدی نیست. تهدید از «ارل»، «بریانسک» و «ویازما» بسوی «مسکو» هر آن شدت مییافت و روسها خود بوخامت اوضاع معترف بودند. پیشروی آلمانیها در این موقع در ناحیه «خارکف» موقتاً متوقف گردید لکن در جنوب خطر اشغال «رستف» بوسیله آنان هر لحظه روبشدهت مینهاد. از طرف دیگر در شمال مدافعین «لنین گراد» سخت مشغول پایداری بودند.

فشار آلمانیها در قسمت مرکزی جبهه بی اندازه شدید بود. در روز ۱۲ اکتبر ارتش سرخ مجبور بتخلیه «بریانسک» گردید و موقعی که فرمانده کل ارتش آلمان ادعا نمود که در حدود ۳۵۰،۰۰۰ اسیر فقط در ناحیه «ویازما» و «بریانسک» گرفته اند موقعیت «مسکو» سخت در خطر بود و زنان و اطفال شروع بتخلیه پایتخت نموده بودند. راجع بتلفات آلمان هیچگونه اطلاع صحیحی در دست نیست لکن میتوان تصور نمود که آلمانیها هم در این جبهه تلفات سنگینی داده اند. گزارشهایی که از منابع آلمانی صادر میشود ضمناً از عملیات کشور های متحد آلمان هم حکایت میگرد. طبق ادعای آلمانیهایک هنگ کروآتی در خاور رودخانه «دنیپر» مشغول عملیات بوده و اعلامیه فرماندهی مجارستان ادعا مینمود که سربازان مجارستانی با وجود بدی هوا توانستند در خط «دونتز» رسوخ نمایند. در پانزدهم اکتبر آلمانیها اعلامیه ای صادر نمودند حاکی از اینکه کلیه نیروی شوروی واقع در دریای «بریانسک» از بین رفته و ارتش آلمان در حمله جدید بسوی «مسکو» ۵۶۰،۰۰۰ اسیر بدست آورده است چون روسها در روزهای ۱۳ و ۱۴ اکتبر گزارش دادند که هنوز در «بریانسک» مشغول پیکار میباشند لذا میتوان گفت که این دو اعلامیه بهیچوجه بایکدیگر تطبیق نمیکرد در پانزدهم اکتبر چنین اعلام گردید که در جبهه «دریای سیاه» ارتش مختلط آلمان و رومانی موفق باشغال «ادسا» گردیده است و روز بعد

## مختصین حملہ بطرف مسکو





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

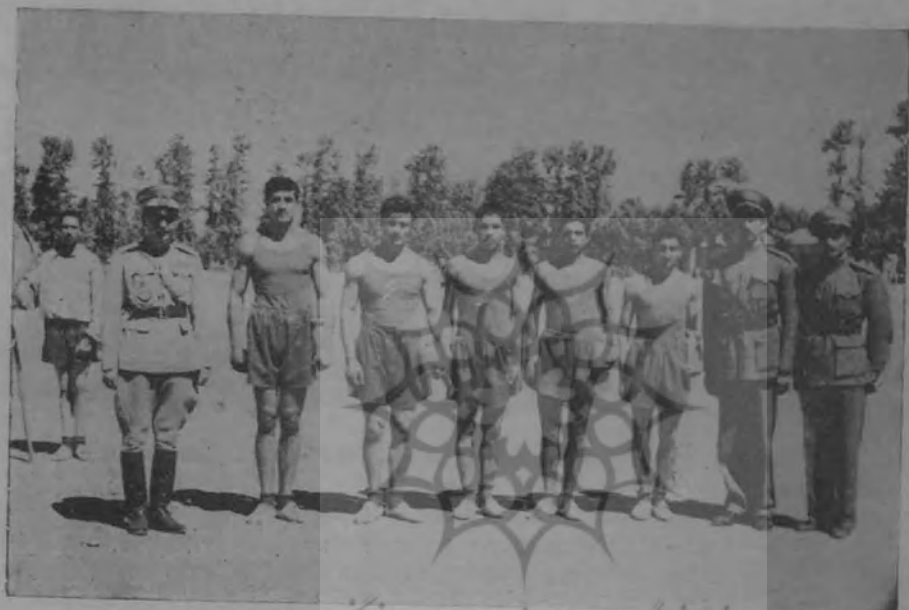
روسها به از دست دادن ادسا، اعتراف و اظهار داشتند که این شهر بنا بر میل خود آنان و بدون هیچگونه اشکالی تخلیه شده و در حقیقت عمل تخلیه از روز دوازدهم اکتبر طبق نقشه قبلی آغاز گردیده بود. طبق منابع اطلاعات آلمانی سر بازان آلمانی، ایتالیائی، مجارستانی و اسلواکی بدون توقف مشغول تعاقب روسهای فراری بین دریای «آزف» و دره «دونتز» بودند و دولت رومانی اعلامیه ای حاکی از اشغال ادسا، صادر نمود. از همه بالاتر محافل رسمی آلمانی در روز هفتم اکتبر ادعا نمودند که کلیه نیروهای «تیموشنکو»، مرکب از ۸ ارتش بکلی نابود گردیده است.

در این موقع جنگ خونینی در حوالی «کالینین» تا انتهای شمالی جبهه «مسکو» ادامه داشت و در عین حال فرماندهی کل ارتش آلمان اعلام نمود که نیروهای او به ۶۰ میلی «مسکو» رسیده اند ولی این ادعا مورد تکذیب روسها قرار گرفت. ممکن است که در این موقع چند زره پوش آلمانی تا این حد بسوی «مسکو» پیشروی نموده باشند لکن ارتش آلمان موفق نشده بود که در آن موقع به ۶۰ میلی پایتخت برسد. با وجود این هیچگونه تردیدی نیست که آلمانیها در نتیجه فشار مشترک نفرات توانستند در عرض پانزده روز خود را به «موزایسک»<sup>(۱)</sup> واقع در جاده اصلی «مسکو» برسانند. ارتش آلمان روی هم رفته ۱۰۰ میل پیشروی نموده بود و با اینکه این پیشروی از نقطه نظر نظامی دارای اهمیت و ارزش فوق العاده بود مع هذا از لحاظ سرعت و تأثیر بهیچوجه قابل مقایسه با پیشروی آلمان بسوی «اسمولنسک» نبود. موقعیت روسها در این موقع سخت خطرناک بود استراتژی آنان مبنی بر از دست دادن زمینهای وسیع و عقب نشینی بمسافتهای زیاد در این جا نمیتوانست بهیچوجه مورد عمل قرار گیرد زیرا عقب نشینی بیش از این مستلزم از دست دادن «مسکو» و «مسکوهوم» که صنایع جنگی شوروی در آن تمرکز یافته بود بامسکوی ۱۸۱۲ تفاوت کلی داشت. موقعیکه ارتش دشمن بفاصله ۶۰ میلی «مسکو» رسیده بود روسها برای تقویت نیروی دفاعی خود محتاج با اقدامات عاجل و موثر بودند.

لکن در این موقع فشار حمله آلمانیها بقتلاً شروع بکاهش نمود. آلمانیها ظاهراً نمیتوانستند نفرات را وادار بادامه حمله نمایند و نه آنکه قادر بر رسانیدن خواربار و مواد لازم به نیروی مهاجم بودند، زیرا در مدت سه هفته متوالی ارتش آلمان لحظه ای از شدت خود نکاسته بود برای حمله بیک نقطه از مواضع دفاعی شوروی ارا بهها، هواپیماها و نفرات پیاده نظام بتعداد زیاد مورد استعمال قرار میگرفت راجع باینکه تاچه حد این حملات بر نفرات و خطوط ارتباطی آلمانیها فشار وارد میآورد اطلاع صحیحی در دست نیست لکن در عین حال میتوان تصور نمود که فشار وارده بینهایت شدید بود. روزهای پی در پی جنگهای سخت و خونینی ادامه داشت با این وصف فرماندهی ارتش شوروی میدانست این دست قوی و خونینی که برای ربودن «مسکو» دراز گردیده اگر چه هنوز قوی پنجه و سترگ است معهدار روزی بدون نتیجه بمکان اولیه مراجعت خواهد نمود. در قسمت جنوبی جبهه شوروی چون ارتش سرخ از طرفی دارای فرمانده بر جسته ای نبود و از طرف دیگر اثرات شکست هنوز در سیمای آن هویدا بود روسها برای ترمیم وضعیت ارتش جنوبی خود که تقریباً بوضع غیر منظم و خطرناکی افتاده بود فرصت خربی یافتند (در مدت دو ماه روسها نفرات و ادوات جنگی بمقدار معتنا بپی از دست داده و دائماً در حال عقب نشینی بودند).

موفقیت دیگری که نصیب آلمانیها گردید اشغال «کریمه» بود. مدت ده روز ارتش سرخ پیشروی آلمانیها را در تنگه «پیر کپ» (۱) متوقف ساخت لکن سرانجام در روز ۲۸ اکتبر دفاع نیروی شوروی درهم شکسته و در روز ۳۱ اکتبر آلمانیها ساخت مشغول اشغال «کریمه» بودند.

میتوان گفت که در این موقع نخستین حمله بزرگ بسوی «مسکو» کم کم روبه پایان مینهادا گر چه پیکار گاه در مرکز و گاه در جناحین ادامه داشت معهدا هیچیک از این حملات دارای شدت فوق العاده ای نبود و اغلب یا بمنظور یافتن نقاط ضعیف روسها و یا برای بهبودی بخشیدن بوضعیت نظامی انجام میگرفت.



شورشیگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
قهرمانان ورزشی لشکر یکم پادگان مرکز که از طرف فرمانده لشکر  
مربوطه باخذ جوایزی نائل آمده اند



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

قاعدتاً اینگونه عملیات برای آماده ساختن زمینه لازم جهت حمله مجدد پس از گرد آوردن وسایل، نفرات و مهمات بمورد عمل گذارده میشوند لکن هوای روسیه و نزدیک شدن زمستان عواملی بودند که آلمانیها اجباراً میبایستی آنها را مورد توجه قرار دهند در نتیجه تهیه مسکن و لباس زمستانی برای نفرات و در دسترس داشتن کارخانه های تعمیر در درجه اول اهمیت قرار گرفت اگر آلمانیها موفق باشغال مسکو، میشدند میتوانستند کلیه این مزایا را بدست آورند احتیاج بتصرف مسکو اندک اندک چنان شدت مییافت که آلمانیها گساره تصور مینمودند حصول بدین منظور بهر خطری ارزش دارد. لکن از طرف دیگر قفقاز با آن چاههای نفت، منابع ثروت و موقعیت استراتژیکی توجه آنان را سخت بخود معطوف داشته بود آلمانیها معتقد بودند که با یک کوشش جسورانه ای موفق بر بودن تحفه گرانبھائی خواهند شد و این همان نقشه اولیه آلمانیها را تشکیل میداد. باین وصف بدو دلیل مسکو، هنوز هدف نظامی ارتش آلمان بود. اول آنکه برای فصل زمستان آلمان مجبور بود اقلاً برای قسمتی از ارتش خود منزل تهیه کند دوم آنکه آلمانیها نمیتوانستند بروسها اجازه دهند زمینهای را که در اطراف مسکو، از دست داده اند دوباره اشغال کنند زیرا آلمانیها با آن همه ادعاها و اعلامیه های خوبی میدانستند که اگر روسیه را در این نقطه شکست ندهند روسها در اطراف مسکو، باندازه کانی نفرات برای تهدید جناح ارتش آلمان در صورت حمله بقفقاز خواهند داشت.

فاتمام